

***** مسئله *****

نفوذ پذیری و اعمال نفوذ

خدایا ما را هرچه بیشتر در برابر حق نفوذپذیر و در برابر باطل چون کوه سنگ نفوذناپذیر بگردان.

توجه بکلیت حق و فردیت باطل روح ما را تجلی گاه آئین نسخ نشدنی انسانیت و مردمی قرار میدهد.

در این باره در قرآن دو آیه آمده

یکی رب زدنی علماً - پروردگارا دانشم بیافزای

دیگری لایخافون لومة لائم - (در راه حق) از ملامت ملامتگران باک ندارند.

گروه ملامتیه صوفیه از این الهام گرفته و سازمان یافته اند اتفاقاً در تفسیر

بیضاوی راجع به این آیه آمده که پیامبر فرمود اینان مسلمان پارسی و ملت او

هستند یا قوت حموی در مورد شهر ایرانی (انبار) از يك قاضی به نیکی یاد کرده

چون در راه حق از سرزنشها و تهدیدها باک نداشت و كان لاتاخذه فی الحق لومة لائم.

کلیت حق با فروبودن منشأ آن منافات ندارد آنجا که خواستها از کلیت کامل

برخوردار باشند.

کوروش و مهرداد اول چنین وضعی داشته اند دیگران در نوشته های خود

آنان را بنام (قانونگذار) شناسانیده کوروش را بعنوان آزادکننده - پیشوا - تابع

قلب خود (ان فی ذالک لذکری لمن کان له قلب) و مهرداد اول را بعنوان پارسا -

شجاع - با فضیلت یاد کرده اند.

خوشبختانه در اینجا در زمان ما هم چنین امری تحقق یافته است.

آزادگی و سرافرازی انسان در اطاعت از عدالت مطلق است هرچند منشأ آن

فرد باشد و فضیلت جوانمردی خود سهم کافی از کلیت داراست برزویه خطاب

به انوشیروان چنین گفت:

گای شاه دانش پذیر پژوهنده دانش و یادگیر

اما در برابر باطل باید نفوذ ناپذیر بود.

باطل چیست؟ باطل نافی حق است و حق فقط با نفی آن میتواند پا برجاشود. اصلاحات ارضی و تشکیل تعاونیها - ایجاد و احیاء جنگلها - ملی شدن آبها و کلیات اصلاحی دیگر چه اجتماعی و چه اقتصادی همگی بر این بنیاد واقمیت یافته‌اند. انسانیت و مردمی همان قانون نسخ نشدنی مادها و پارسها که مورد تأکید تورات قرار گرفته تکامل خود را از راه نفی شدید همه اباطیل گذشته تحقق بخشیده‌اند.

بزرگمهر در این باره حق مطلب را چنین ادا نموده

بگیتی به از مردمی کار نیست بدین با تودانش به پیکار نیست
این بیان شامل دو اصل مهم است.

۱- در جهان قانونی شایسته‌تر و پایدارتر از قانون انسانیت و مردمی نبوده و نخواهد بود. از کیخسرو (که بنا بر گفته شیخ اشراق تقدس را بر پای داشت) در گذشته بسیار دور چنین آمده بهمرا اندرین کشور افسونی کنید.

۲- چون از قانون مردمی پیروی نمائیم هیچگاه دچار سرزنش وجدان نخواهیم شد زیرا این قانون همیشه از پشتیبانی دانش و خرد برخوردار است.

اگر بخواهیم سازمانهای ما چون اصول ریاضی نتایجی مثبت داشته باشند و ذره‌ای تبعیض در وظایف روزانه آنها راه نیابد باید آنها را از نفوذپذیری نسبت به هرگونه باطل مصون داریم.

اعمال نفوذ باطل بهر شکل و قیافه‌ای که باشد عدالت را تباه و سازمان را به‌بزاری زیانبخش تبدیل میکنند.

یک مقام مؤثر برای ترفیع و ابسته‌خود نوشته بود (اوفردی صالح و نفوذناپذیر است) نوشته را بوسیله منشی خود به آن شخص ارائه داده و پس از آن نسبت به پرونده‌ای که در کشو میز خود داشت از آن شخص خواسته بود که آنرا مطابق تمایل ناروای او جریان دهد!

فرضاً اگر جریانات باینگونه روابط پنهانی نادرست معلل باشد توفیق قدرتهای قانونی برای خدمت بمردم عادی ناچیز بوده و تحول فکری آنها که اصل مهم مورد نظر رهبر مملکت است ناممکن خواهد شد.

در مورد نفوذپذیری در برابر حق یکی از قضات پس از اطلاع از حال نگران کننده یک قاضی بیمار بوزیر دادگستری که خدایش رحمت‌کناد نامه‌ای نوشت و پیشنهاد اعزام بیمار بخارج با کلیه احتیاطهای لازم نمود وزیر دادگستری به رئیس دفتر خود (زاهدی) کتباً دستور داده بود که نزد قاضی پیشنهاد دهنده رفته و از یادآوری بجای او سپاسگزاری نماید.

۲۴ قرن پیش از این در آتن سقراط را برای اعمال نفوذ بحق محکوم کردند و این محکومیت تا ابد مایه ننگ آنان خواهد بود.